رویش روان شناسی، سال۱۰ ، شماره۹، شماره پیاپی ۶۶، آذر ۱۴۰۰
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),10(9), 2021

ارزش‌های زیربنایی انتخاب همسر: مطالعه‌ای داده بنیاد

underlying values of spouse selection: A Grounded Theory study

دکتر مسعود غلامعلی لواسانی
دانشیار، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران، ایران.
زهره پیرحیاتی
دکتری روانشناسی تخصصی، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران، ایران.
دکتر منصوره حاج حسینی (نویسنده مسئول)
استادیار، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی ، تهران، ایران.
دکتر حسین کشاورز افشار
استادیار، گروه مشاوره، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
دکتر عاطفه زندی فر
استادیار، گروه روان‌پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران.

Dr. Masoud Gholmali Lavasani
Associate Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tehran, Iran.
Zohreh Pirhayati
PhD in Specialized Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tehran, Iran.
Dr. Mansooreh Hajhosseini*
Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Faculty of Psychology and EducationalSciences,Tehran,Iran.
hajhosseini@ut.ac.ir
Dr. Hossein Keshavarz Afshar
Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
Dr. Atefeh Zandifar
Assistant Professor, Department of Psychiatry, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran.

چکیده

این پژوهش باهدف شناسایی ارزش‌های زیربنایی انتخاب همسر به مطالعه تجربه افراد در آستانه ازدواج پرداخته بود. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با روش نظریه داده بنیاد صورت گرفته بود. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ۲۱ زوج در آستانه ازدواج شهر کرج بودند که به روش انتخاب هدفمند و بر پایه اصل اشباع برگزیده شدند. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته با پرسش‌های باز و استانداردشده بود و داده‌ها مطابق با رویکرد نظریه زمینه‌ای استراوس و کربین تحلیل و طبقه‌بندی گردید. یافته‌ها، ارزش‌های مشارکت‌کنندگان در انتخاب همسر را در ۵ مقوله محوری «معیارها، انتظارات، اهداف، مسئولیت‌پذیری و معنا» نشان داد. مقوله محوری «معیار» دارای ۶ بعد «فضیلت‌های اخلاقی، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری، روابط عاطفی، تناسب و همسانی، جذابیت ظاهری و طریقه آشنایی»، مقوله محوری «انتظارات» دارای ۳ بعد «همراه و همپا بودن، داشتن خانواده خوب و مسائل جنسی»، مقوله محوری «اهداف» دارای ۵ بعد «نیازهای ازدواج، دغدغه‌های ازدواج، آرامش و امنیت، تکمیل و تغییر و شکل‌گیری خانواده»، مقوله محوری «مسئولیت‌پذیری» دارای ۱ بعد «همکاری در جهت استقلال مادی و معنوی» و مقوله «معنا» بدون ابعاد بود. نتیجه این پژوهش کشف مقوله هسته با عنوان «عشق محتوای زندگی» بود که ۵ مقوله محوری ارزش‌ها را در راستای انتخاب درست و آگاهانه انتخاب همسر تبیین می‌نمود.

Abstract

In order to identify the underlying values of choosing a spouse, this study has studied the experience of individuals on the verge of marriage. The present research has been done with a qualitative approach and with the grounded theory method. Participants in this study included 21 couples on the verge of marriage in Karaj who was selected by the purposeful selection method based on the principle of saturation. The data collection method in this study was a semi-structured interview with open and standardized questions and the data were analyzed and classified according to the approach of Strauss and Corbin's underlying theory. The findings showed the values of the participants in choosing a spouse in 5 central categories: "criteria, expectations, goals, responsibility, and meaning". The central category of "criteria" has 6 dimensions: "moral virtues, personality and behavioral characteristics, emotional relationships, fit and similarity, physical attractiveness and the way of acquaintance", the central category of "expectations" has 3 dimensions of "being together, having a good family and issues" "Sex", the central category of "goals" has 5 dimensions: "Marriage needs, marriage concerns, peace and security, completion and change and formation of the family", the central category of "responsibility" with 1 dimension of "cooperation for material and spiritual independence" and the category " Meaning is dimensionless. The result of this research was the discovery of a core category

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.9.5]

called "love of the content of life" which explains the 5 central categories of values in order to choose the right and conscious choice of a spouse.

Keywords: *Values, Spouse Choice, Love, Grounded Theory*

واژه‌های کلیدی: *ارزش‌ها، انتخاب همسر، عشق، نظریه داده بنیاد*

نوع مقاله : پژوهشی	دریافت : اردیبهشت ۱۴۰۰	پذیرش: خرداد ۱۴۰۰	ویرایش نهایی : آذر ۱۴۰۰

مقدمه

ازدواج پیوند بین دو نفر با علایق، خواسته‌ها و نیازهای متفاوت است که بر رشد و تحقق افراد تأثیرگذار است (ازگیت،[1] ۲۰۱۷) . ازدواج، فرایندی متعهدانه با عشق و مسئولیت برای آرامش، شادی و گسترش روابط خانوادگی است و علاوه بر این، انتخاب یک شریک و ورود به زندگی زناشویی، یک نقطه عطف و موفقیت شخصی است (شهبازی، کرایی و کیانی جم، ۱۳۹۶). ازاین‌رو نخستین مرحله‌ی چرخه زندگی خانوادگی، موفقیت در انتخاب همسر است؛ این موفقیت مراحل بعدی زندگی را به‌شدت تحت تأثیر خودش قرار می‌دهد (نیتزل و هریس،[2] ۲۰۰۸؛ جواهری محمدی، کانتر کوشه و فرح بخش، ۱۳۹۴).

از همین منظر انتخاب همسر یک فرایند است که اگر مبتنی بر ارزش‌های افراد و آگاهانه صورت گیرد چشم‌انداز بهتری را برای فرد و جامعه در پی خواهد داشت. با توجه به اینکه ترجیحات ارزشی فردی، هم حاصل فرهنگ مشترک و هم حاصل تجربه‌های شخصی منحصربه‌فرد است (شوارتز و راس،[3] ۱۹۹۵) درنتیجه فرایند «بنا شدن ارزش‌ها» در خلال فراخنای زندگی تکامل می‌یابد (منه زیس و کمپور،[4] ۱۹۹۷). شوارتز در باب نظریه «ارزش‌های انسانی بنیادی»[5] گفته است: این ارزش‌ها جنبه‌ای از شخصیت‌اند و افراد در تمام جوامع از این حیث متفاوت‌اند. مانند: «قدرت، پیشرفت، لذت‌جویی، تحریک طلبی، خود رهنموددهی، جهان‌شمول نگری، خیرخواهی، سنت، همنوایی و ایمنی» (شوارتز،۲۰۱۱؛ دل خموش و احمدی مبارکه،۱۳۹۰). به عبارت دیگر، ارزش‌ها بازتاب اصول هدایت‌کننده در زندگی هستند که برای فرد معنادار و مهم است (ریلی و همکاران،[6] ۲۰۱۹). ارزش‌ها مسیر معنادار انتخاب‌شده‌ی افراد و بیانگر عمیق‌ترین تمایلات انسان هستند، بدین معنا که می‌خواهیم چگونه انسانی باشیم، می‌خواهیم چطور رفتار کنیم و با دیگران تعامل داشته باشیم، چه چیزی بیشترین اهمیت را برای ما دارد. به‌عبارت‌دیگر، ارزش‌ها راهنمای انسان در روابط اوست و اعمال او را برمی‌انگیزاند (لو و مک کی،[7] ۲۰۱۷). بر این اساس، ارزش صمیمیت با شخص دیگر، دربرگیرنده‌ی صمیمیت جسمی، ارتباطات آزاد و صادقانه، پیگیری هدف‌های مشترک و بسیاری احتمالات دیگر است که در تعاملات روزانه وجود دارد. مشغولیت افزایش‌یافته این رفتارهای ارزشمند، ممکن است این احتمال را افزایش دهد که افراد نهایتاً رضایت و شادی را احساس کنند. پس کشف «عشق» به‌عنوان یک ارزش نشان می‌دهد که چه زمانی یک رابطه ناسالم را قطع کرده و چگونه رابطه‌ای ارضاکننده ایجاد کنیم (دال، استوارت، مارتل و کاپلان،[8] ۲۰۱۵). ازاین‌رو «ما باید عشق را درک کنیم، ما باید بتوانیم آن را بیاموزیم، خلق و پیش‌بینی کنیم» (کلاند،[9] ۲۰۱۵).

بااین‌حال، فرایند انتخاب همسر، پژوهش‌های بسیاری را به خود اختصاص داده است که فقط به بخشی از ارزش‌ها یعنی معیارهای همسرگزینی در آن توجه شده است و دیگر وجوه ارزش‌ها در این انتخاب مهم مغفول مانده است و به مقوله عشق نیز جدای از ارزش‌ها پرداخته‌شده است. از آن جمله صادقی ده چشمه، رستمی و آزادیان (۱۳۹۸) با روش کمی به بررسی ملاک‌های همسرگزینی در میان اقوام چهارمحال و بختیاری پرداخته‌اند. تحلیل کلی نشان داد که در بین اقوام ساکن در چهارمحال عشق و علاقه، سلامت روانی، عفت و پاک‌دامنی، نداشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج و مسئولیت‌پذیر بودن مهم‌ترین ملاک‌ها هستند و ملاک‌های: قومیت یکسان، جذابیت

1. Ozyigit, M. K.
2. Nietzel, M. T., & Harris, M. J.
3. Schwartz, S. H., & Ros, M.
4. Menezes, I., & Campos, B. P.
5. human basic values
6. Reilly, E. D., & et al.
7. Lev, A., & McKay, M.
8. Dahl, J., Stewart, I., Martell, C., & Kaplan, J.S.
9. Kelland, M.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.9.5]

ظاهری، تناسب موقعیت اجتماعی، خانوادگی، تحصیلات، شغل و درآمد در مراتب پایین‌تری از اهمیت قرار داشتند. فولادیان، هاشمی و تیموری (۱۳۹۷) تحلیل مقایسه‌ای معیارهای همسرگزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه معاصر ایران را بررسی نمودند و نتایج بیانگر تفاوت در معیارهای همسرگزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه معاصر ایران است. شهرابی فراهانی، فاتحی زاده و اعتمادی (۱۳۹۷) در تحقیقی کیفی به کشف نگرش‌های انتخاب همسر در دختران در آستانه ازدواج پرداختند و با نگرش‌های کارآمد و ناکارآمد دختران نسبت به انتخاب، زمینه را برای تدوین برنامه‌هایی آموزشی و اصلاحی جهت تقویت نگرش‌های مثبت در این گروه فراهم آوردند. صنعتی شرقی و رستم زاده (۱۳۹۵) به مطالعه رویش نظری درباره معیارهای همسرگزینی روی آوردند و ۱۳ مقوله قیافه و ظاهر، ویژگی‌های جسمی منشی و رفتاری، تناسب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، داشتن شناخت پیشین، روابط عاطفی و احساسی، امنیت داشتن، استقلال داشتن، تعهد داشتن، تناسب اعتقادی، احترام گذاشتن و درک کردن، استخراج کردند و دو الگو و مدل متفاوت برای دختران و پسران ارائه دادند که مطابق با نظریه‌های همسرگزینی است. کنعانی، حمیدی فر و محمد زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی کمی به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در معیارهای همسرگزینی بین مردان و زنان ازدواج‌کرده شهر رشت پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهند که مردان به معیارهای جسمانی و زنان به معیارهای اقتصادی- اجتماعی توجه بیشتری داشته‌اند. همچنین مردان و زنان در معیارهای درونی با یکدیگر مشابهت دارند، اما در معیارهای بیرونی، بر الگوهای متفاوتی تأکیددارند. ولنتین، لی، ملزر و تسای[1](۲۰۲۰) پژوهشی در راستای بررسی ترجیحات همسرگزینی با توجه به صفات صمیمیت - قابلیت اعتماد به‌عنوان پیش‌بینی کننده جذابیت عاشقانه در مراحل ابتدایی انتخاب همسر و رضایت در تداوم رابطه را انجام دادند. لی، جونزا و دیبورینا[2](۲۰۱۹) به بررسی رابطه بین خود پنداره‌های مرتبط با همسرگزینی و ترجیحات جفت با استفاده از تحلیل داده‌های آنلاین توصیفات شخصی پرداختند. به‌طورکلی، هم پروفایل زنان و هم پروفایل مردانی که فعالیت‌های خارج از منزل، موسیقی/هنر را توصیف کرده بودند مطلوبیت بیشتری داشتند. جانسون و آنتون[3](۲۰۱۹) به پژوهشی پرداختند با عنوان«ترجیحات همسر برای شریکان زندگی تحصیل‌کرده: شباهت‌ها و تفاوت‌ها در دو جنس بستگی به زمینه همسرگزینی دارد»؛ در این مطالعه مدل‌های تکاملی و اجتماعی-فرهنگی ترجیحات همسر بیان می‌دارند که تحصیلات عامل مهم و موردتوجه برای زنان و مردان است.

در این راستا، پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی هرکدام به بخشی از ارزش‌ها یعنی معیارها در انتخاب همسر توجه داشتند که اغلب این پژوهش‌ها نیز مبتنی بر نظریه‌های همسرگزینی تبیین شده‌اند و جامعیت موردنظر پژوهش حاضر را ندارند. در این پژوهش به ارزش‌ها در انتخاب همسر به ابعاد گوناگون و لایه‌های درونی و زیرین این انتخاب پرداخته‌شده است. از طرفی غالب این پژوهش‌ها به‌صورت کمی صورت گرفته و با توسل به عملیات آماری حاصل آمده‌اند. درنتیجه در پژوهش حاضر به شناسایی ارزش‌های زیربنایی جوانان در انتخاب همسر با رویکرد کیفی[4] پرداخته شد تا عرصه‌هایی از این انتخاب کشف شود که از آن اطلاعات کمتری در دسترس است.

روش

ازآنجایی‌که پژوهش حاضر به دنبال شناسایی ارزش‌های جوانان در انتخاب همسر بوده، رویکرد کیفی را برای انجام پژوهش برگزیده است. پژوهش کیفی ماهیتاً چند روشی است و متضمن رویکرد تفسیری و طبیعت‌گرایانه به موضوع موردمطالعه است. . این بدان معناست که پژوهشگران کیفی پدیده‌ها را در موقعیت‌های طبیعی آن‌ها مطالعه می‌کنند و می‌کوشند پدیده‌ها را برحسب معناهایی که مردم به آن‌ها می‌دهند مفهوم سازی یا تفسیر کنند (حاج حسینی و محدثی، ۱۳۹۸). لذا دستیابی به پاسخ مناسب برای سؤال پژوهش از روش داده بنیاد[5] استفاده گردیده است. پژوهشگر در روش داده بنیاد به‌طور استقرایی بر اساس مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان داده‌ها را برای ایجاد یک نظریه جدید خلق و تفسیر می‌کند (استراوس و کربین،[6] ۱۹۹۰). در این پژوهش نیز با مصاحبه با جوانان در آستانه ازدواج به تفسیر و تبیین یافته‌ها پرداخته و یافته‌ها در ۵ مقوله محوری و یک مقوله هسته طبقه‌بندی شدند.

1 . Valentine, K. A., Li, N. P., Meltzer, A. L., & Tsai, M. H.
2 .Lee, A.J., Jones, B.C., & DeBruine, L.M.
3 Jonason, P. K., & Antoon, C. N.
4.qualitative approach
5.grounded theory
6. Strauss, A., & Corbin, J.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.9.5]

مشـارکت‌کنندگان در این پژوهش شـامل جوانان در آسـتانه ازدواج شـهر کرج و مراجعه‌کننده به «مرکز آزمایش‌های پیش از ازدواجِ شهید راست‌روش» هستند که به روش انتخاب هدفمند برگزیده شدند. در این روش محقق مواردی را جستجو می‌کند که دارای بیشترین اطلاعات در پدیده تحت مطالعه باشند و او بتواند پدیده را در عمق کشف کند (گال، بورگ وگال،[1] ۱۹۹۶). بنابراین انتخاب افراد بر مبنای ازدواج اول، سن ۲۰ تا ۴۰ سال و داشتن تجربه آشنایی حداقل به مدت ۳ ماه می‌باشد. بر این اساس به مصاحبه با افراد در آستانه ازدواج پرداخته شد و تعداد مشارکت‌کنندگان بر پایه اصل اشباع[2] و با تکراری[3]شدن پاسخ‌ها به ۲۱ نفر رسید. تعداد کل مشارکت‌کنندگان پسر ۱۰ نفر هستند که طیف سنی بین ۲۴ تا ۳۷ هستند. تحصیلات آن‌ها ۶ نفر دیپلم، ۳ نفر کارشناسی و ۱ نفر دکتری است. ۶ نفر از آن‌ها شغل آزاد، ۱ نفر مهندس، ۱ نفر طراح گرافیست و ۱ نفر کارمند است. مدت آشنایی آن‌ها از ۳ ماه تا ۷ سال متغیر است و طریقه آشنایی ۸ نفر از آن‌ها سنتی و ۲ نفر مدرن است. تعداد کل مشارکت‌کنندگان دختر ۱۱ نفر هستند که در رده‌ی سنی ۲۱ تا ۳۷ سال قرار دارند. تحصیلات ۱ نفر دیپلم، ۱ نفر کاردانی، ۷ نفر کارشناسی و ۱ نفر کارشناسی ارشد است. ۷ نفر از آن‌ها شاغل و ۴ نفر خانه‌دار هستند. مدت آشنایی آن‌ها از ۳ ماه تا ۷ سال متغیر است و طریقه آشنایی ۷ نفر از آن‌ها سنتی و ۴ نفر مدرن است.

ابزار سنجش

در این پژوهش ابزار تحقیق جهت گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته[4]با پرسش‌های باز و استاندارد شده بود. پرسش‌ها بر پایه سه بعد کلی و توالی منظمی از پرسش‌های مرتبط، تنظیم گردید تا شرایط یکسان برای تمامی مشارکت‌کنندگان فراهم باشد. مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر آموزش‌دیده و مطابق با اصول مصاحبه کیفی در گفتگوهای ۳۵ -۴۵ دقیقه‌ای انجام گرفت. رئوس کلی پرسش‌های مصاحبه‌ی پژوهش این‌گونه بود: ۱) معیار در انتخاب همسر: چطور با همسرتان آشنا شدید؟ چه ملاک و ویژگی‌هایی در انتخاب شما مؤثر بود؟ بیشتر از همه جذب چه چیزی در همسرتان شدید؟ ۲) اهداف در انتخاب همسر: از انجام چه‌کارهایی باهم لذت می‌برید؟ با توجه جامعه امروزی می‌توانستید راه‌های دیگری به‌غیراز ازدواج را انتخاب کنید چطور شد که ازدواج را انتخاب کردید؟ ۳) معنا در انتخاب همسر: تمرکز شما در این رابطه بر چه چیزی هست؟ سفر زندگی خود را بدون این شخص چگونه متصور هستید؟

به‌منظور روش تجزیه تحلیل داده‌ها با استفاده از تدوین طبقات اطلاعاتی (کدگذاری باز)، مرتبط ساختن این طبقات (کدگذاری محوری) و ارائه «داستانی» که این طبقات را به هم پیوند می‌دهد (کدگذاری گزینشی) انجام گرفت (استراوس و کربین، ۱۹۹۰). مصاحبه‌ها در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار «مکس کیو دی‌ای ۲۰۱۸»[5]کدگذاری گردید. پس از استخراج مفاهیم اولیه و شروع کدگذاری باز، پژوهشگران در متن به جستجوی طبقات اطلاعاتی برجسته و بارز پرداختند و با استفاده از رویکرد مقایسه‌ی مستمر تلاش کردند این طبقات را به «اشباع» برسانند. در مرحله کدگذاری محوری فرایند اختصاص کد به مفاهیم موجود در داده از حالت کاملاً باز خارج‌شده و شکلی گزیده به خود گرفت. درواقع پس از کدگذاری باز، پژوهشگران توانستند محورهای اصلی در مجموعه داده‌ها را مشخص کرده و مرحله بعد کدگذاری را حول این محورها انجام دهند. در آخرین مرحله از کدگذاری که به کدگذاری گزینشی معروف است پژوهشگران با توجه به کدها و مفاهیم شناسایی شده در دو مرحله قبل به استحکام بیشتر فرایند کدگذاری پرداختند و پدیده هسته یا مرکزی استخراج گردید که بتواند در تبیین مقوله‌های محوری و کل یافته‌ها نقش بیشتری ایفا کند.

یافته‌ها

بر اساس اظهارات مشارکت‌کنندگان و به‌واسطه کدگذاری، تحلیل، طبقه‌بندی و تفسیر پاسخ‌ها، ۵ مقوله محوری (اصلی) با ابعاد گوناگون به‌عنوان ارزش‌های افراد در انتخاب همسر و یک مقوله هسته با عنوان «عشق محتوای زندگی» حاصل آمد. جدول ۱ مقوله‌های اصلی و فرعی و هسته را نشان می‌دهد.

1 .Gall,M.D., Borg, w., & Gall,J.
2. saturation
3. repetitious
4. semi-structured intrerview
5.maxqda 2018

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.9.5]

جدول ۱- مقوله‌های اصلی و فرعی و هسته

مقوله فرعی	مقوله اصلی	مقوله هسته
وفادار و متعهد بودن، چشم‌پاک بودن، احترام گذاشتن، صداقت داشتن، دست‌ودل‌باز بودن، دوست داشتن، مهربان بودن، همتایی و تناسب خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی، داشتن ظاهر مردانه، چهره زیبا، بی‌اهمیت بودن ظاهر، آشنایی سنتی و مدرن و ...	معیار: فضیلت‌های اخلاقی، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری، تناسب و همتایی، روابط عاطفی، جذابیت ظاهری و طریقه آشنایی	عشق محتوای زندگی
نزدیک بودن نوع زندگی و سلایق و علائق، حامی و حمایت گر بودن، داشتن خانواده خوب و ارتباط خوب با آن‌ها، نداشتن رابطه جنسی و فیزیکی قبل از ازدواج و ...	انتظارات: همراه و همپا بودن، داشتن خانواده خوب، مسائل جنسی	
پذیرش تفاوت‌ها و درک همدیگر، پیشرفت و هدفمندی، مطابقت داشتن ازدواج با خانواده و جامعه، بلاتکلیف نبودن، آرامش و حس و حال خوب، حفظ چارچوب خانواده، تغییر و تکامل، داشتن خانواده و فرزند و ...	اهداف: نیازهای ازدواج، دغدغه‌های ازدواج، آرامش و امنیت، تکمیل و تغییر و شکل‌گیری خانواده	
داشتن احساس مسئولیت، داشتن مشاوره پیش از ازدواج، اهمیت به کودکان، همکاری در کارهای خانه و ...	مسئولیت‌پذیری: همکاری در جهت استقلال مادی و معنوی	
عاشق شدن، لذت باهم بودن، بعد معنوی طرف مقابل، ساختن زندگی و ...	معنا	

۱. معیار در انتخاب همسر

در پژوهش حاضر معیار به‌عنوان اولین بخش از ارزش‌های موردنظر مشارکت‌کنندگان ۶ بعد «فضیلت‌های اخلاقی، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری، روابط عاطفی، همتایی و تناسب، جذابیت ظاهری و طریقه آشنایی» را به خود اختصاص داد.

فضیلت اخلاقی

فضیلت اخلاقی یعنی برتری در خلق که سبب رفتار نیکو در فرد می‌گردد و تبعات این نیکویی خلق، فردی نخواهد بود و سرایت آن به زندگی مشترک و جامعه نیز دیده خواهد شد. آن‌چنان‌که مینایی می‌گوید: «ازآنجایی‌که اخلاق مبنای مشترک زندگی انسانی است و اخلاق تنها از گرایش‌های اساسی بشر که من آن‌ها را الگوهای جامعه نامیدم، قابل اقتباس است، باید تلاش خود را به اتحاد دوباره‌ی خود با نسل‌های جوان‌تر، در یک دورنمای معمول انسانی، معطوف کنیم ... حقیقت جوهری که به مدد دانش و اندیشه‌های دینی آشکار می‌گردد می‌تواند ابعاد اخلاقی بگیرد» (طلائی مینایی، ۱۳۹۳). آن چنانکه مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند: "نجیبه و الان شرایط امروزی همون طور که می دونید خیلی راحت‌تر شده و هر کاری می خوان میکنن اما ایشون این‌جوری نیستند و نجابت دارند و حتی چند بار پیگیرش بودم و تعقیبش کردم و تحقیق هم کردم و دیدم واقعاً نجابت دارند" یا "خصوصیت خوب دیگه ای که داره اینه که وفادار هست" .

ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری

رفتار انسان‌ها مستقیماً بر رفتار دیگران تأثیر می‌گذارد. هرچقدر که افراد در ذهن خود، ما را دوست داشته باشند یا به‌طور کلامی به ما ابراز علاقه و عشق کنند، اما رفتاری متعارض نشان دهند، دچار آسیب خواهیم شد. داشتن برخی از ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی در ازدواج می‌تواند کمک کند که در زندگی مشترک اختلافات و تعارضات کمتری تجربه شود ازجمله صداقت، منطقی بودن، شوخ‌طبع بودن و ... . "خیلی آدم راست‌گویی هست هیچ موقعی ندیدم دروغ بگه" یا " صداقت و رک بودنه ایشون و اینکه اصلاً دروغ نمیگن تحت هیچ شرایطی».

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.9.5]

روابط عاطفی

احساس و عاطفه بخشی غیرقابل‌انکار از وجود آدمی است که به رفتارهای اجتماعی و روابط وی نیز جهت‌دهی می‌کند. ازجمله در روابطی همانند ازدواج که مسئله حائز اهمیت هست و باعث مستحکم شدن روابط زوجین می‌گردد. آن‌چنان‌که مشارکت‌کنندگان بیان کردند: "مهربون هستش مثلاً اصلاً دل ندارن و با کوچک‌ترین چیزی ناراحت میشن و آدم‌های مهربون اکثراً این‌طوری هستند و خودمم هم همین‌طوری هستم و علاقه‌ای که به من نشون می‌داد" یا "مهربون بودنشون مثلاً وقتی مشکلی داشته باشم بهم اهمیت میده و جویا هست که مشکلم چی هست برای رفع اون پشتم هست و هیچوقت تنهام نمیگذاره".

همتایی و تناسب

مشارکت‌کنندگان داشتن تناسب در خانواده، تحصیلات، وضع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و نگرشی را مهم می‌دانستند. به‌عنوان‌مثال، تحصیلات مشابه باعث همسانی می شود؛ زیرا تحصیلات نزدیک به هم گاه نتیجه تشابه درجه هوش افراد است. از طرفی تفاوت در سطح تحصیلات، تفاوت‌های عمده‌ای در جهان‌بینی و نگرش افراد ایجاد می‌کند. تحصیلات بالاتر و تجربه کردن مقاطع تحصیلی بالاتر فرد را دارای جهان‌بینی، افکار و اعمال متفاوت‌تری از فرد دیگر با تحصیلات کمتر می‌نماید. حتی برخوردها، رفتارها، استدلال‌ها نیز به گونه‌ی متفاوتی خواهد بود درنتیجه همسانی در تحصیلات و موارد دیگر فرهنگی، اعتقادی و اقتصادی و غیره سبب می‌شود افراد بهتر یکدیگر را درک کنند. "نقاط مشترک زیاد داشتیم یعنی ازنظر اعتقادی و طرز فکر اشتراک داشتیم" یا "بعد ازنظر سطح خانوادگی هم باهم اختلاف فرهنگی نداریم، اختلاف مالی هم نه به اون صورت. به‌طورکلی خیلی جهان‌بینی مون شبیه هم هست".

جذابیت ظاهری

هیئت ظاهر یا به‌اصطلاح شکل و قیافه فرد می‌تواند از جهات مختلف موردتوجه طرف مقابل قرار بگیرد. به‌طورکلی دراین‌ارتباط، موارد و مسائلی همچون اندازه قد، رنگ چهره، چاقی و لاغری و ... موردتوجه داوطلبان ازدواج و نزدیکان ایشان است (افروز، ۱۳۹۴). آن‌چنان‌که اظهار داشتند: "اولین ویژگی ظاهر است و ظاهرش رو خیلی دوست دارم خصوصاً یک موقع هایی که ریش می‌گذارد بیشتر و دوست‌داشتنی‌تر می‌شد و همیشه از یک پسر قدبلند خوشم میامد و قدش هم بلند و من دوست دارم" یا "ازنظر چهره و ظاهر هم خب برام اهمیت داشت که زیبا هستند".

طریقه آشنایی

رودررو شدن دو نفر و باز شدن باب آشنایی به شیوه‌های مختلف انجام می‌گیرد که با توجه به پژوهش حاضر به دو شیوه‌ی سنتی و مدرن (امروزی) تقسیم گردید. یکی از شیوه‌های سنتیِ آشنایی، معرفی از طرف دیگران است و ازآنجایی‌که در فرهنگ کشور ما بر سنت ازدواج تأکید بسیار می شود، معرفی برای ازدواج پسندیده است. معمولاً در معرفی، افراد اطمینان بیشتری نسبت به آن ازدواج احساس می‌کنند در این پژوهش معرفی از طریق دوست، همسایه و همکار در زمره‌ی این نوع آشنایی قرارگرفته است. شیوه‌ی دیگر برای آشنایی از طریق محیط کار، محیط دانشگاه، اتفاقی و ... است که نام همه‌ی این طرق، آشنایی مدرن قرار داده شد. آن‌چنان‌که مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند: "از طریق یکی از اقوام که معرفی کردند به من ایشون رو" یا "به‌صورت اتفاقی توی یک مسافرت و توی خیابون ایشون رو دیدم".

با توجه به اظهارات مشارکت‌کنندگان می‌توان دریافت که اولین بخش از ارزش‌های آن‌ها یعنی معیار، منطبق با بخشی از پژوهش صنعتی شرقی و رستم زاده (۱۳۹۵) است که به ۱۳ مقوله محوری قیافه و ظاهر، ویژگی‌های جسمی، منشی و رفتاری، تناسب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، داشتن شناخت پیشین، روابط عاطفی و احساسی، امنیت داشتن، استقلال داشتن، تعهد داشتن، تناسب اعتقادی، احترام گذاشتن و درک کردن، اشاره کردند. همچنین با بخشی از پژوهش صادقی ده چشمه، رستمی و آزادیان (۱۳۹۸) نیز هم سو می‌باشد. در این پژوهش، تحلیل کلی پژوهشگران نشان داد که ملاک‌ها در دو بخش اهمیت بالا و پایین تقسیم‌بندی می‌گردد که معیارهای این پژوهش بااهمیت پایین ملاک‌های پژوهش مذکور هم‌راستاست. این ملاک‌های پایین شامل: ملاک‌های قومیت یکسان، جذابیت ظاهری، تناسب موقعیت اجتماعی، خانوادگی، تحصیلات، شغل و درآمد بود.

۲. انتظارات در انتخاب همسر

باریچ و بیلبی (۱۹۹۶) انتظارات را به‌منزله‌ی تصاویری ذهنی از ازدواج تعریف می‌کنند که زوجین برای خود با توجه به بافت رابطه ایجاد می‌کنند (فلاحی، فلاح چای و زارعی،۱۳۹۳). عوامل زیادی بر انتظارات تأثیرگذارند ازجمله این عوامل که می‌توان نام برد، عوامل

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.9.5]

فردی، خانواده، اجتماع و به‌طورکلی بافت و بستری که فرد در آن رشد یافته است. در این پژوهش انتظارات مشارکت‌کنندگان دارای ابعاد «همراه و همپا بودن، داشتن خانواده خوب و مسائل جنسی» بود.

همراه و همپا بودن

با توجه به داده‌های مشارکت‌کنندگان یکی از انتظارات ایشان زندگی در کنار فردی است که بتواند همفکر و هم سلیقه و هم‌جهت با آن‌ها باشد تا با اشتراک داشتن در این زمینه‌ها بتوانند زندگی‌شان بهتر، هدفمندتر و راحت‌تر پیش ببرند. می‌توان گفت این همسانی سبب می‌شود افراد انرژی خود را روی اهداف زندگی متمرکز کنند تا اینکه بخواهند زمان و انرژی زیادی را صرف قانع و راضی کردن برای برآورده کردن نیازها، خواسته‌ها و اهدافشان بگذارند. "نزدیک بودن سلایق و تیپ زندگی مثلاً آرزو دارم بتونیم با همدیگه کتاب بخونیم و این تفکر در طرف مقابل من هم هست" یا "خیلی همراهم هست و خیلی حمایتگر هست، خواسته هام رو عملی میکنه".

داشتن خانواده خوب

شاید بتوان گفت از بزرگ‌ترین چالش‌های روابطی مثل ازدواج، ارتباط با خانواده طرف مقابل و خودشان و واردکردن آن‌ها در رابطه است که امری گریزناپذیر است. می‌توان گفت خانواده منبع تأمین نیازهای روان‌شناختی، جسمانی و عاطفی افراد به شمار می‌رود و یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، کارکرد حمایتی آن است که در مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان به‌خوبی مشهود است که لازمه‌ی ارتباط خوب خودشان را حمایت و داشتن یک خانواده‌ی حامی، صادق، اصیل، گرم و ... می‌دانند که این ارتباط خوب با خانواده می‌تواند به رابطه زوجی آن‌ها نیز بهبود ببخشد. "چیزی که برای من مهم بود خانواده طرف خوب باشن و من احساس خوبی باهاشون داشته باشم" .

مسائل جنسی

در پژوهش حاضر، برخی از مشارکت‌کنندگان به داشتن رابطه جنسی و شناخت طبع همدیگر اذعان داشتند و آن را مهم می‌دانستند و بعضی از مشارکت‌کنندگان صحبت نکردن و نداشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج را به‌صورت ارزشی مطرح‌شده و به‌عنوان حجب و حیا در نظر گرفته شده است که مورد دوم با توجه به فرهنگ جامعه ما قابل‌قبول است؛ اما یک نکته مهم این است که اگرچه نداشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج کاملاً پسندیده و مطابق با عرف و فرهنگ جامعه ماست اما صحبت نکردن و آگاهی پیدا نکردن از آن مشکل‌زا خواهد بود. "ازنظر روابطی که باهم داشتیم (جنسی) از همه لحاظ باهم اوکی هستیم". یا "مسئله دیگه هم این بود که وقتی دوتایی باهم می‌رفتیم جایی و تنها بودیم نوازش هاش رو دوست داشتم و در حدی نیست که بخواد غیراخلاقی برخورد کنه".

۳. اهداف در انتخاب همسر

اهداف در پژوهش حاضر دارای ۵ بعد «نیازهای ازدواج، دغدغه‌های ازدواج، آرامش و امنیت، تکمیل و تغییر و شکل‌گیری خانواده» است.

نیازهای ازدواج

یکی از اهداف ازدواج تأمین نیازهای اساسی زنان و مردان است و اگر زوجین برای تأمین نیازهای یکدیگر تلاش کنند در بهبود صمیمیت در رابطه‌شان پیشرفت چشمگیری حاصل خواهد شد؛ بنابراین ارتباط به معنای تأمین نیازهای ما با دیگران است. می‌توان گفت: «رابطه رفتار ما در اطراف دیگران است که با آن نیازهای خود را برآورده می‌کنیم.» (بوتراک، ۲۰۲۰). ازجمله نیازهایی که افراد در یک رابطه برای برآورده شدن آن تلاش می‌کنند درک و پذیرش همدیگر است. پذیرش را می‌توان این‌گونه تعریف کرد «نگرشی ذهنی که در آن چیزی باورپذیر است و باید آن را به‌عنوان واقعیت پذیرفت» (والسر و وستراپ، ۲۰۰۹). آن‌چنان‌که مشارکت‌کنندگان بیان کردند: "ازنظر رفتاری هم بهم نزدیک بودیم یعنی همدیگه رو می تونستیم بفهمیم مثلاً در یک موضوع خاص عکس‌العمل ما یکسان بود و متوجه شدیم همو می تونیم بهتر درک کنیم" یا "فهم و درکش برام مهم بود".

دغدغه‌های ازدواج

مطابق با داده‌های مصاحبه‌شوندگان، راه‌های به‌غیراز ازدواج به‌عنوان هنجار خانواده و جامعه موردپذیرش نیست و آن را به‌عنوان یکی از دغدغه‌های خود مطرح کردند. اگرچه برخی از مشارکت‌کنندگان دوستی‌های طولانی و حتی ازدواج سفید را تجربه کرده بودند اما درنهایت به علت مسائل قانونی، حقوقی، شرعی و اجتماعی آن، تن به ازدواج دادند."یک سری نرم‌های اجتماعی داریم و به این نرم‌ها ما باید احترام بگذاریم و اگه میخوایم از جامعه احترام بگیریم باید به ساختار جامعه احترام بگذاریم".

آرامش و امنیت

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.9.5]

ازآنجایی‌که هدف اصلی و غائی ازدواج در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و مبانی روان‌شناختی همسری، نیل به آرامش است و مسائلی همچون از تنهایی درآمدن، تشکیل خانواده مستقل، ارضای غرایز طبیعی و فرزند آوری از نتایج قهری ازدواج است و نه هدف اصلی، می‌بایست معیارهای انتخاب همسر به‌گونه‌ای باشد که ما را به هدف غائی از ازدواج که همانا استقرار در ساحل آرامش است نائل گرداند (افروز، ۱۳۹۴). "آرامش، هیچی مثل آرامش تو زندگی لذت‌بخش نیست؛ آرامش یعنی وقتی تو خونه ام با ذوق غذا بپزم، کارهام رو بکنم یا به خودم بر سم که وقتی مثلاً می دونم ۲ ساعت دیگه کسی رو که واقعاً دو ستش دارم قراره بیاد خونه". یا "بزرگ‌ترین هدفم این بود که در زندگی مشترک به آرامش برسم چون آرامش خیلی مهمه".

تکمیل و تغییر

همان‌طور که می‌دانیم معنی واژه تکامل یعنی کامل شدن و به کمال رسیدن. کمال به این معنی است که یک موجود همه مراحلی را که طی نکرده است، باید طی کند و همه امکانی که طبیعت برای او تهیه دیده است را کسب نماید درنتیجه مقصود از تکامل در این پژوهش این است که افراد وارد مرحله بعدی زندگی می‌شوند و با گزینش همسری مناسب و شایسته، موجبات رشد و تکامل خویش را با مسائل متفاوت و گوناگونی که در این راه و باهم تجربه می‌کنند، فراهم می‌نمایند و بسیاری از شایستگی‌ها و توانمندی‌های نهفته در درون خویش را شکوفا می سازند. آن‌چنان‌که مشارکت‌کنندگان بیان کردند: "این‌که بگم تنش نداشته باشم یا باید تفاهم داشته باشم و بعد ازدواج کنم این اصلاً معنی نداره چون اگر بحثی صورت نگیره تکاملی رخ نمی‌کنه و هیچ ایراد و نقدی هم مطرح نمیشه".

شکل‌گیری خانواده

مشارکت‌کنندگان ازدواج را راهی برای صاحب فرزند شدن و داشتن خانواده می‌دانستند؛ آن چنانکه برخی اظهار کردند: "هدفم اینه که فرزند داشته باشیم و بتونیم درست تربیتش کنیم" یا "اینکه دوست داشتم همیشه ازدواج کنم و بچه داشته باشم".

۴. مسئولیت‌پذیری در انتخاب همسر

مسئولیت‌پذیری در پژوهش حاضر دارای یک بعد به نام «همکاری در جهت استقلال مادی و معنوی» است:

همکاری در جهت استقلال مادی و معنوی

"توی این ۳ سال دوستی احساس مسئولیتش خیلی برام مهم بود" یا "از ازدواج بیشتر یک‌چیزی رو تصور می‌کنم اونم پذیرش مسئولیت وگرنه اتفاق دیگه‌ای می تونه نیفته اکثر آدم‌هایی که می‌بینم با این جریان مشکل‌دارند نمی‌تونند مسئولیت رو بپذیرند و قبول نکردند ازدواج یعنی پذیرش مسئولیت و تغییر دادن در خود که اون آدم سابق نیستی و حالا باید پذیرش مسئولیت داشته باشی".

همان‌طور که پیداست بخش چهارم از ارزش‌ها که از یافته‌ها استخراج گردید به مسئولیت‌پذیری می‌پردازد. مسئولیت‌پذیری علاوه بر این‌که ارزش است، از «آگاه شدن به اینکه همسو باارزش‌هایمان به زندگی پاسخ دهیم و متوجه این باشیم که هرلحظه حق انتخاب داریم» (والسر و و استراپ،۲۰۰۹) ما را باخبر می سازد. این بخش از یافته‌ها با بخشی از پژوهش صادقی ده چشمه، رستمی و آزادیان (۱۳۹۸) قابل تطبیق است. آن‌ها با استفاده از روش پیمایشی به بررسی ملاک‌های همسرگزینی در میان اقوام چهارمحال و بختیاری پرداختند و عشق و علاقه، سلامت روانی، عفت و پاک‌دامنی، نداشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج و مسئولیت‌پذیر بودن را از ملاک‌هایی بااهمیت سطح بالا معرفی کردند.

۵. معنا در انتخاب همسر

شاید یافتن معنای رابطه برای دو نفر را بتوان به معنایی که از زندگی ترجمه و تفسیر می‌کنند مرتبط دانست. پس به تعداد این ترجمه و تفسیرها، معنا قابل دریافت است. عاشقی و عشق ورزیدن و بعد معنوی در رابطه از معانی بود که مشارکت‌کنندگان بدان اذعان داشتند: "درمجموع چون ویژگی‌های مثبت ایشون خیلی بیشتر بود و همدیگر رو دوست داشتیم و طوری هم شده بود که این دوست داشتن عمیق شده بود و معنی‌دار شده بود رابطه مون و اون عشقِ در کنار ایشون بودن باعث شد برای ازدواج ایشون رو انتخاب کنم".

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر ابتدا به تولید مقوله‌ها و ویژگی‌های آن‌ها از مفاهیم و مضامین مصاحبه‌های جوانان در آستانه ازدواج پرداخته شد، سپس این مقوله‌ها به‌صورت منظم پرورانده و به زیر مقوله‌ها متصل شد و ۵ مقوله محوری استخراج گردید که نشان‌دهنده ارزش‌های جوانان در انتخاب همسر است. بااین‌حال برای اینکه بتوان مقوله‌های اصلی را به یکدیگر پیوند داد و یکپارچه‌سازی در کل یافته ایجاد نمود،

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.9.5]

نیاز به کشف مقوله هسته است. همان‌طور که می‌دانیم مقوله هسته دارای قدرت تحلیل است. آنچه این قدرت را به آن می‌دهد، توانایی به هم نزدیک کردن مقوله‌ها برای توضیح کل مطلب است که باید بتواند گوناگونی‌های درون مقوله‌ها را نیز در بربگیرد (استراوس و کربین، ۱۹۹۰). بر این اساس در این پژوهش، مقوله هسته «عشق محتوای زندگی» نام گرفت که خود به‌عنوان «بزرگ‌ترین ارزش»(والسر و وستراپ، ۲۰۰۹) مطرح است و برای کشف آن از تحلیل نخستین داده‌ها تا مرحله آخر پژوهش در یک‌روند تداومی، به طول انجامید.

با توجه به یافته‌های پژوهش، «عشق» در هر بعد از ارزش‌های افراد خود را با صورت و محتوایی متفاوت ظاهر می‌سازد و این تظاهر در هر مرحله خود را قوی‌تر، غنی‌تر، شکوفاتر و سرزنده‌تر از مراحل قبل نشان می‌دهد. آن چنانکه این عشق، در محور معیارها خود را در بعد «جذابیت ظاهری» نشان می‌دهد که امری کاملاً طبیعی است چراکه اولین قدم برای انتخاب همسر دیدن ظاهر و انتخاب بر اساس ملاک‌های ظاهری است که برای فرد دارای اهمیت می‌باشد. البته جذابیت ظاهری فقط جذابیت صورت نیست؛ بلکه ترکیبی از تن صدا، قد، نوع پوشش، بوی بدن و سایر ویژگی‌هایی است که میزان این جذابیت را برای افراد مشخص می‌کند. پس از «جذابیت ظاهری»، عشق در محور انتظارات در بعد «مسائل جنسی» خود را بروز می‌دهد. اگرچه در زمان و فرهنگ کنونی رابطه جنسی را برابر با صمیمیت در نظر می‌گیرند اما واقعیت آن است که رابطه جنسی در زندگی مشترک مهم است اما تمام صمیمیت برابر با رابطه جنسی نیست؛ بلکه بخشی از این رابطه است. این نشان می‌دهد اگر واقعاً می‌خواهیم صمیمت را تجربه کنیم، باید از این عقیده که رابطه جنسی و صمیمیت هم‌معنی و مترادف هستند عبور کنیم. به‌عبارت‌دیگر در مراحل اولیه یک رابطه افراد معمولاً دامنه محدودی از تقویت‌کننده‌ها را برای رابطه در نظر می‌گیرند ازجمله «فعالیت‌های جنسی» که همین امر می‌تواند به ناامیدی و حس اشباع منجر شود (پائول،[1] ۲۰۱۵). پس‌نیاز است به فرایند انتخاب همسر عمیق‌تر بپردازیم و محورهای ارزشی دیگر را نیز مدنظر قرار دهیم. محور ارزشی معیار و انتظار با توجه به ابعاد آن‌ها «فضیلت‌های اخلاقی، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری، تناسب و همتایی، روابط عاطفی، جذابیت ظاهری و طریقه آشنایی، همراه و همپا بودن، داشتن خانواده خوب و مسائل جنسی با ریخت‌های ارزشی «لذت‌جویی، تحریک طلبی، همنوایی، خیرخواهی» در «نظریه ارزش‌های انسانی» شوارتز همخوانی دارد. عشق، در محور اهداف در بعد «آرامش و امنیت» خود را نشان داد. همان‌طور که می‌دانیم از بهترین برکات زندگی برخورداری از همسری است که سبب آرامش و امنیت روحی و روانی است، درواقع ازدواج و قرار گرفتن در جمع یک خانواده، از فرصت‌ها و چالش‌های مهم دو نفر برای سازندگی، شکوفایی و عشق ورزیدن به‌حساب می‌آید. عشق در محور مسئولیت‌پذیری در بعد «همکاری در جهت استقلال مادی و معنوی» نمود پیدا می‌کند. مشارکت‌کنندگان، مسئولیت‌پذیری را توانایی اداره یک زندگی ازنظر مادی و معنوی ذکر کردند و ازدواج کردن را نوعی مسئولیت‌پذیری بیشتر و ایجاد تغییر در خود می‌دانستند. یکی از جنبه‌های شگرف و دشوار روابط صمیمانه، قبول مسئولیت است، چون ابزاری است که به‌طور اجباری فرد را در مسیری که او را به کمال ممکن می‌رساند، هدایت می‌کند. پذیرش مسئولیت، محرکی اعجاب‌انگیز درراه رشد و پیشرفت انسان است. مسئولیت‌پذیری نیاز به عشق و جسارت دارد. وقتی افراد در رابطه خود احساس مسئولیت کنند، صمیمانه در کار یکدیگر دخالت می‌کنند (کلی،[2] ۲۰۱۵). عشق در آخرین ارزش کشف‌شده در این پژوهش یعنی معنا با خودِ واژه‌ی «عشق» متجلی می‌گردد. «عشق» احساسی نیست که هرکس بتواند به‌آسانی بدان گرفتار شود. تمام کوشش‌های فرد برای عشق ورزیدن محکوم‌به شکست خواهد بود، مگر آنکه خود او با جدوجهد تمام برای تبادل، تکامل و تعالی شخصیت خویش بکوشد. آن‌چنان‌که پاراسلوس می‌گوید: «آنکه هیچ نمی‌داند، به چیزی عشق نمی‌ورزد. آنکه از عهده‌ی هیچ کاری برنمی‌آید، هیچ نمی‌فهمد. آنکه هیچ نمی‌فهمد، بی‌ارزش است. ولی آنکه می‌فهمد، بی‌گمان عشق می‌ورزد، مشاهده می‌کند، می‌بیند. به‌عبارت‌دیگر، هرچه بیشتر دانش آدمی در چیزی ذاتی باشد، عشق بدان بزرگ‌تر است» (فروم، ۱۹۵۶). آن چنانکه مشارکت‌کنندگان این پژوهش نیز «عشق» خود را در این مرحله عمیق‌تر درک کرده و آن را مترادف بامعنای زندگی خود بیان کردند. محورهای ارزشی «اهداف، مسئولیت‌پذیری و معنا» با توجه به ابعاد آن‌ها «نیازهای ازدواج، دغدغه‌های ازدواج، آرامش و امنیت، تکمیل و تغییر و شکل‌گیری خانواده، همکاری در جهت استقلال مادی و معنوی، عاشق شدن، باهم بودن، ساختن زندگی و ...» با ریخت‌های ارزشی «قدرت، پیشرفت، جهان‌شمول نگری، ایمنی و سنت» در «نظریه ارزش‌های انسانی» شوارتز همخوانی دارد.

به‌طورکلی با توجه به ۵ محور ارزشی پژوهش و مقوله هسته آن یعنی «عشق» می‌توان نتایج را با برخی از تقسیم‌بندی‌های عشق از دیدگاه استرنبرگ نیز قابل تطبیق دانست. بر این اساس، عشق در محور ارزشی «معیار و انتظار» قابل تطبیق با مؤلفه «شهوت» استرنبرگ است. از دیدگاه استرنبرگ عشق سه مؤلفه دارد: صمیمیت، شهوت و تعهد؛ این سه مؤلفه هم به‌تنهایی و هم با ترکیب شدن، می‌توانند انواع

1 . Paul, H.A.
2 . Kelly, M.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.9.5]

مختلفی از عشق را شکل دهند. مؤلفه «شهوت» شامل اشتیاق، جاذبه بدنی و فعالیت جنسی است و به احساساتی اشاره دارد که فرد نمی‌تواند بدون دیگری زندگی کند، در زندگی‌اش به دیگری احتیاج دارد و حتی نمی‌تواند زندگی بدون آن دیگری را تصور کند. (استرنبرگ،۲۰۲۰). اگر فرد فقط در ارتباط و انتخاب همسر فقط به جذابیت ظاهری و کشش جنسی توجه داشته باشد؛ یعنی در حال تجربه «عشق آتشین یا شیفته»[1] از دیدگاه استرنبرگ است. مسئله عشق شیفته این است که شخص واقعاً هدفِ خواسته خود را نمی‌داند - اینکه آیا احساسات دوام خواهند داشت، آیا با سبک زندگی او متناسب است؟(استرنبرگ،۲۰۲۰). به‌عبارت‌دیگر، اگرچه این شور و اشتیاق در ابتدای رابطه جالب‌توجه است اما در طول زمان کاهش می‌یابد و اگر افراد ارزش‌های دیگری را نیز مدنظر قرار ندهند، رضایت و پایداری رابطه امکان‌پذیر نخواهد بود. ازاین‌رو پرورش دیگر جنبه‌های رابطه نیز باید موردتوجه قرار گیرد تا فرایند و فرا گرد انتخاب همسر و رابطه در مسیر غنی‌شده و معنادار آن قرار گیرد. آن‌چنان‌که در پژوهش حاضر نیز افراد «عشق» را فقط منوط به ارزش «معیار و انتظار» (منطبق با مؤلفه شهوت در نظریه استرنبرگ) ندانسته و اشاره به اهداف، مسئولیت‌پذیری و معنا (منطبق با صمیمیت و تعهد در نظریه استرنبرگ) در انتخاب خود داشتند که مبین پختگی و شکوفایی عشق و انتخاب آن‌ها نیز می‌تواند باشد.

به‌عبارت‌دیگر، عشق در ترکیب ۵ محور ارزشی باهم یعنی «معیار، انتظارات، اهداف، مسئولیت‌پذیری و معنا» مترادف با «عشق کامل»[2] استرنبرگ است. عشق کامل زمانی اتفاق می‌افتد که فرد هر سه مؤلفه نظریه مثلثی عشق یعنی صمیمیت، شهوت و تعهد را تجربه کند. صمیمیت، شامل احساس پیوند و نزدیکی، شهوت شامل جذابیت ظاهری و فعالیت جنسی و تعهد به تصمیمی مربوط می‌شود که فرد دیگری را دوست دارد و وی را برای رابطه طولانی‌مدت می‌خواهد. تعهد همان چیزی است که باعث می‌شود روابط حتی در صورت دشوار شدن ادامه یابد (پک،[3] ۲۰۰۳). وقتی شخص این مؤلفه‌ها را هماهنگ با یکدیگر و با فرد دیگر تجربه می‌کند، احساس می‌کند که بخشی از خودش در دیگری است و با وی کامل می‌شود (استرنبرگ،۲۰۲۰). بر این پایه می‌توان گفت هرچه تعداد حوزه‌های ارزشی که افراد برای خود لحاظ می‌کنند، بیشتر باشد، سبب گسترش تقویت و حفظ رابطه آن‌ها خواهد شد. ازاین‌رو، وقتی فرد از سطح انتظارات و معیار عبور می‌کند به این می‌اندیشد چه چیزی غنای بیشتری به زندگی‌اش می‌تواند ببخشد؟ این رابطه در رشد خود به کجا خواهد انجامید؟ چه چیزی این رابطه را غنی‌تر و سرزنده‌تر خواهد کرد؟ پس به‌ناچار نیازمند اهداف، مسئولیت‌پذیری، معنا و ... خواهد بود. در پژوهش حاضر محدودیت‌هایی وجود داشت، ازجمله: عدم امکان مصاحبه‌ها در شرایط مکانی و زمانی مناسب به علت وجود بیماری کرونا؛ این پژوهش فقط در دو بعد تبادلی و تکاملی قابل بررسی و کاووش بود و قابلیت نشان دادن تعالی که اوج یک رابطه است را نداشت؛ چراکه ساحت علمی پژوهشی-روانشناسی- اجازه نمی داد از وجه متعالی این پژوهش پرده برداریم و از مهم‌ترین محدودیت هر پژوهش کیفی در انجام صحیح این نوع از پژوهش‌ها باید دانست، روش تحقیق کیفی، روشی است که دانشجویان بنا به گرایش و علاقه خود و با آزمون‌وخطا آن را فرا می گیرند و تا کنون ضرورت آموزش آن در سیستم‌های آموزشی کشور به‌ویژه دوره‌های تحصیلات تکمیلی دیده نشده است و هر آنچه از روش تحقیق در این دوره‌ها سپری می‌شود، مجموعه‌ای از مطالب نظری و گذراندن کارگاه و وبینار است که چندان مثمر ثمر نیست. ازآنجایی‌که انتخاب همسر و تصمیم‌گیری درست می‌تواند بر کل فرایند زندگی تأثیرگذار باشد ازجمله، ازدواج موفق، فرزند پروری، ممانعت از خیانت و طلاق و ... نتایج پژوهش حاضر را می‌توان در مشاوره‌های زوج، پیش از ازدواج، طلاق و کارگاه‌های آموزشی برای تعیین ارزش‌ها و راهبردها و یافتن دوباره هسته زندگی یعنی «عشق» استفاده کرد. پژوهش‌هایی که در راستای این تحقیق می‌توان انجام داد، مطالعات مبتنی بر ارزش‌ها در انتخاب همسر در سایر استان‌های کشور برای تائید یا اصلاح ابعاد گوناگون این پژوهش؛ بررسی مطالعه‌ای در خصوص دوستی‌های طولانی‌مدت و ازدواج سفید و مزایا و معایب آن در راستای ارزش‌ها در انتخاب همسر با توجه به بافت و فرهنگ ایرانی اسلامی؛ و بررسی مطالعه‌ای مبنی بر عدم تطابق ارزش‌ها و راهبردها در افراد مطلقه است.

منابع

افروز، غ (۱۳۹۴). *مبانی روان‌شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
استراوس، آ و کربین، ج (۱۹۹۰). *مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل نظریه زمینه‌ای)*. ترجمه ابراهیم افشار (۱۳۹۸). تهران: نشر نی.

1. infatuation love
2 . consummate love
3 .Rck, M.S.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.9.5]

جواهری محمدی، م.، کلانتر کوشه، س. م.، و فرح بخش، ک. (۲۰۱۵). مقایسه ی رضایت زناشویی در زوجین با همسرگزینی سنتی و غیرسنتی شهر تهران. *مشاوره و روان درمانی خانواده*, ۵(۲)، ۱۴۲-۱۲۳.

حاج حسینی، م.، و محدثی، و. (۱۳۹۸). تجربه فرزند پذیری و ساخت هویت مادرانه در زنان نابارور فرزند پذیر. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*،۱۷(۴)، ۳۶-۷.

دال، ج؛ استوارت، ی؛ مارتل، ک؛ و کاپلان، ج (۲۰۱۵). *ACT و RFT در روابط*. ترجمه شکوه نوابی نژاد (۱۳۹۴)، تهران: جنگل.

دل خموش، م.ت.، و احمدی مبارکه، م. (۱۳۹۰). محتوا و ساختار ارزش‌ها در نوجوانان ایرانی. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*, ۸(۲۹)، ۲۸-۵.

شهبازی، م.، کرایی، ا.، و کیایی جم، ن. (۱۳۹۶). استانداردهای زناشویی و اِسنادهای ارتباطی به‌عنوان پیش‌بین‌های سازگاری و ناسازگاری زناشویی زنان، *نشریه روانشناسی خانواده*، ۴ (۲)، ۴۲-۲۹.

شهرابی فراهانی، ل.، فاتحی زاده، م.، و اعتمادی، ع. (۱۳۹۷). کشف نگرش‌های انتخاب همسر در دختران در آستانه ازدواج: تحقیق کیفی. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸ (۶۹)، ۱۶۲-۱۳۳.

صادقی ده چشمه، س.،رستمی، ص.، و آزادیان، ا. (۱۳۹۸). بررسی ملاک های همسرگزینی در میان اقوام ساکن در چهارمحال و بختیاری *پژوهش‌نامه زنان*. ۲(۲۸)، ۱۹۸-۱۷۳.

صنعتی شرقی، ن.، و رستم زاده، م. (۱۳۹۵). مطالعه به روش رویش نظری درباره معیارهای همسرگزینی. *فصلنامه مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان*، ۱۰ (۳)، ۵۴-۳۱.

طلائی مینایی، ا (۱۳۹۳). *گذری بر کتاب عرفان، زیبایی‌شناسی و شعور کیهانی*. ترجمه سید رضا افتخاری (۱۳۹۳)، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

فروم، ا (۱۹۵۶). *هنر عشق ورزیدن*. ترجمه پوری سلطانی (۱۳۹۳)، تهران: مروارید.

فلاحی، م.، فلاح چای، س. ر.، و زارعی، ا. (۱۳۹۳). مقایسهٔ انتظارات و هدف از ازدواج زنان و دختران ساکن در شهر شیراز.*زن در فرهنگ و هنر. (۳)۶*، ۳۶۰-۳۴۵.

فولادیان، م.، هاشمی، س. ض.، و تیموری، م. (۱۳۹۷). تحلیل مقایسه‌ای معیارهای همسرگزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه معاصر ایران. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*. ۷(۱۳)، ۱۲۲-۹۱.

کنعانی، م.ا.، حمیدی فر، م.، و محمد زاده، ح. (۱۳۹۵). انتخاب همسر و معیارهای آن: مطالعه‌ای در بین مردان و زنان ازدواج‌کرده‌ی شهر رشت. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*،۳(۸)، ۲۵۶-۲۲۹.

گال، م؛ بورگ، و؛ و گال، ج (۱۹۹۶). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*. ترجمه احمدرضا نصر و همکاران (۱۳۹۳). تهران: سمت.

لو، ا و مک کی، م (۲۰۱۷). *درمان مبتنی بر پذیرش و پایبندی برای زوج‌ها*. ترجمه مرتضی کشمیری و پیوند جلالی (۱۳۹۶)، تهران: ارجمند.

والسر، ر و وستراپ، د (۲۰۰۹). *همسران هوشیار*. ترجمه مرتضی کشمیری و پیوند جلالی (۱۳۹۶)، تهران: ارجمند.

Buss, D. M. (2016). *The evolution of desire: Strategies of human mating*. Basic books.

Butorac,D. (2020).ChoiceTheoryVS.Common Sense:Relationship. *International Journal of Choice Theory & Reality Therapy*, *39*(2).

Jonason, P. K., & Antoon, C. N. (2019). Mate preferences for educated partners: Similarities and differences in the sexes depend on mating context. *Personality and Individual Differences*, *148*, 57-61.

Kelland, M.(2015). *Personality theory in a cultural context*. OpenStax.CNX: Author.

Kelly, M. (2015). *The Seven Levels of Intimacy: The Art of Loving and the Joy of Being Loved*. Simon and Schuster: Blue Sparrow .(Original work published 2005).

Lee, A.J., Jones, B.C., & DeBruine, L.M. (2019). Investigating the association between mating-relevant self-concepts and mate preferences through a data-driven analysis of online personal descriptions. *Evolution and Human Behavior*, 40(3), 325-335.

Menezes, I., & Campos, B.P. (1997). The process of value-meaning construction. *European Journal of Social Psychology*, 27, 55-73.

Nietzel, M. T &,.Harris, M. J. (2008).*Creative ways to keep romance alive*. http://www.heartnhome.com.

Ozyigit, M.K. (2017). The meaning of marriage according to university students: A phenomenological study. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 17(2), 679-711.

Paul, H.A. (2015). *ACT and RFT in Relationships:* Helping Clients Deepen Intimacy and Maintain Healthy Commitments Using Acceptance and Commitment Therapy and Relational Frame Theory by J. Dahl, I. Stewart, C. Martell, & JS Kaplan: Oakland CA: Context Press/New Harbinger Publications. (Original work published 2015).

Peck, M.S. (2003). *The road less traveled (timeless edition): A new psychology of love, traditional values, and spiritual growth*. New York, NY: Touchstone.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.9.5]

underlying values of spouse selection: A Grounded Theory study

Reilly, E. D., Ritzert, T. R., Scoglio, A. A., Mote, J., Fukuda, S. D., Ahern, M. E., & Kelly, M. M. (2019). A systematic review of values measures in acceptance and commitment therapy research. *Journal of Contextual Behavioral Science, 12*, 290-304.

Schwartz. S.H. (2011). Values: Individual and cultural.In S. M. Breugelmans, A. Chasiotis, & F. J. R.van de Vijver (Eds.), *Fundamental questions in cross-cultural psychology* (pp. 463-493). Cambridge: Cambridge University Press.

Schwartz, S.H., & Ros. M. (1995). Values in the west: A theoretical and empirical challenge to the individualism-collectivis cultural dimension.*World Psychology*, 1, 99-122.

Sternberg, R. J. (2020). Toward a triangular theory of love for one's musical instrument. *Psychology of Music*, https://doi.org/10.1177/0305735620961143.

Valentine, K. A., Li, N. P., Meltzer, A. L., & Tsai, M. H. (2020). Mate preferences for warmth-trustworthiness predict romantic attraction in the early stages of mate selection and satisfaction in ongoing relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin, 46*(2), 298-311.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.9.5]